

مجرمین خطرناک؛ مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری ایران و انگلیس

محمد سعید شفیعی^۱، مجتبی فرهمند^۲

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی مدرس دانشگاه

^۲ قاضی دادگستری و استاد دانشگاه

چکیده

"انسان بزهکار" سرآغاز توجه علمی به مجرم و نقش او در ارتکاب جرم است. در پرتو تکامل این اندیشه بود که مفهوم مجرم خطرناک و راهکارهای مقابله با آن ظاهر شد و جایگاه خاصی را در مطالعات حقوق کیفری به خود اختصاص داد و متعاقب آن مفهوم مجرم خطرناک وارد سیاست جنایی و قانونگذاری شد. اگرچه همه مجرمان با ارتکاب رفتار مجرمانه به نحوی خطری را متوجه جامعه و اعضای آن می نمایند، اما منظور از مجرم خطرناک بزهکارانی است که مرتکب تکرار جرم شده و بیشترین خطر ممکن را با رفتار خود متوجه جامعه می نمایند؛ به همین دلیل اقدامات تنبیهی و اصلاحی خاصی باید علیه این دسته از مجرمان اعمال شود. با توجه به اهمیت این امر، جهت تشخیص مجرم خطرناک یعنی مجرمینی که احتمال ارتکاب مجدد جرم در آینده از سوی آنها وجود دارد، ضروری است معیارهایی دقیق و قانونی برای شناسایی حالت خطرناک در مجرمین وجود داشته باشد تا امنیت جامعه تامین شده و حقوق انسانی بزهکاران نیز نقض نگردد. قانون اقدام تامینی مصوب ۱۳۳۹ ایران و قانون عدالت کیفری انگلستان مصوب سال ۲۰۰۳، تلاش کرده اند در این خصوص ضوابطی را ارائه نمایند.

واژه‌های کلیدی: خطرملایم، خطر حتمی، حالت خطرناک، مجرم خطرناک، اقدامات تامینی.

مقدمه

انواع خطر از منظر "مارک برون"^۱

اصطلاح خطر یک مفهوم ذهنی است که تعیین مصداق آن در عالم واقعیت همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. در فرآیند مفهوم سازی خطر، مارک برون آنرا به دو دسته تقسیم می کند که به صورت مختصر به آنها اشاره می شود.^۲

الف) خطر ملایم^۳: این دسته از خطرها به نحوی هستند که قابلیت انعطاف و جابه جایی در شکل و قالب آنها پیوسته قابل درک بوده و با توجه به شرایط موجود قابلیت پیش بینی دارند. همچنین الگوهایی رفتاری می باشند که براساس جدولی از ویژگی های رفتار خطرناک قابل شناسایی می باشند. به عبارت دیگر همانطوریکه آب در هر ظرفی که ریخته شود به شکل آن در می آید، می توان با ابزارهایی این ریسک را ارزیابی و آن را پیش بینی کرد. این تعریف از خطر وقتی صحیح است که خود خطر تعریف شده و رفتارهای خطرناک معلوم باشد. بنابراین دسته بندی خطر، به معنای تعریف کردن خطر نیست و این دو از هم متمایزند؛ اگرچه برای دسته بندی خطر و تعیین الگوهای خطرناک باید از مفهوم خطر استفاده کرد. سابقاً *Miller*، *Bonta*، *and Morris* نیز روش هایی برای پیش گویی خطر از طریق دسته بندی کردن آن ارائه کرده اند. مثلاً میلر و موریس مدل های گروهی را در سه دسته پیشنهاد داده اند؛ آنها مدل های آماری که از ابزار آمار برای ارزیابی رابطه بین تغییرات فردی و نتیجه خاص بهره میگیرند را پیشنهاد داده اند و از ملاک هایی مانند تعداد جرایم، نوع جرم یا نوع ضمانت اجرا برای تحلیل بهره گرفته اند. مدل های کلینیکی، برعکس، از آمار تهیه شده به نفع بررسی های موردی هر مجرم بهره میگیرند. مدل کلینیکی ضرورتاً به معنی ارزیابی های پزشکی و روانپزشکی نیست، اگرچه از یافته های آنها بهره می برد. مدل کلینیکی ارزیابی خطر، شامل انتخاب، واریسی کردن و تفسیر اطلاعات، تعیین رابطه آنها با رفتار مجرمانه موجود توسط تصمیم گیرندگان منفرد و قضاوت کردن درباره اینکه چگونه پرونده حاضر می تواند در چارچوب اصول و تجربه ایجاد شده توسط تصمیم گیرندگان منفرد درک شود، می باشد. بنابراین قضاوت های پیرامون خطر ارتکاب مجدد جرم که توسط اعضای دادگاه، افسران مراقبتی، اعضای هیات عفو و دیگری که صرفاً براساس دانش و تجربه شخصی و بدون توجه به آمار یا اسناد پیشگویی کننده بزهکاری ایجاد می شوند، در قلمرو تعریف کلینیکی میلر و موریس قرار می گیرند. مدل ارزیابی خطر و پیشگویی جرم براساس سابقه ی مجرم نیز می تواند مانند یک ماشین عمل کند بدون اینکه شرایط پیرامونی جرم و ویژگی های مجرم را به عنوان عوامل قابل تغییر لحاظ کند و لذا ثابت فرض می شوند. به نظر برون، مدل خطر ملایم به نحوی است که هر سه مدل پیشنهادی میلر و موریس را در برمی گیرد و به مجرم نیز توجه می کند. برون بر این باور است که تنها مدل های خطر نیستند که میزان خطر را مشخص می کنند، بلکه میزان ضمانت اجراها نیز در شناسایی رفتار خطرناک باید به کار گرفته شوند؛ مثلاً استراتژی های کیفی مانند توان گیری، بازپروری یا نظارت معیارهایی برای شناسایی خطر هستند.^۴

ب) خطر حتمی^۵: خطر ملایم از طریق شیوه های اندازه گیری علمی تعیین می شود ولی خطر حتمی پایه های غیر علمی دارد؛ به عبارت دیگر این ارزیابی براساس فضیلت های انسانی و ویژگی های فردی ایجاد می شود. اگرچه قضاوت های از این دست در مرکز محاسبه خطر حتمی قرار میگیرد، ولی خود از مجموعه گسترده ای از روابط اجتماعی که مجازات را عینیت می بخشد، شکل می گیرد در این مدل از خطر آنچه که تعیین کننده است تاثیرات ناشی از نظر عموم، سیاست، بروکراسی و مانند

¹ M. Brown

² *Dangerous Offenders; Punishment and Social order*, Mark Brown and John Pratt, Pub. By Rutledge, 2000.p.90-130

³ Fluid Risk

⁴ *Dangerous Offenders; Punishment and Social order*, Mark Brown and John Pratt, Pub. By. Rutledge, 2000, p.95-98

⁵ Categorical Risk

اینهاست و توجهی به شرایط پیرامون جرم، ویژگی‌های مجرم و غیره نمی‌شود. به عنوان یک مثال می‌توان به قضیه ی پیتزا که در کالیفرنیا آمریکا رخ داده است اشاره کرد. در این پرونده سرقت یک تکه پیتزا و به دنبال آن تحت تعقیب قرار گرفتن سارق به عنوان یک جانی، منجر به صدور حکم مجازات حبس الزامی به مدت ۲۵ سال برای مرتکب گردید. این اندیشه از خطر، در قانون عدالت کیفری نیوزلند در سال ۱۹۸۵ یا قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ انگلستان و ولز رسوخ کرده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که مثلاً اگر در قانون عدالت کیفری نیوزلند فردی مرتکب جرمی شود که مستحق بیش از ۲ سال حبس است، مجرم خطرناک را براساس احساسات عامه مردم تعریف می‌کنند و ملاحظات علمی را نادیده می‌گیرند؛ لذا تابع این مدل از خطر هستند.^۱ سه پرونده در استرالیا نشان دهنده چنین برداشتی از مفهوم خطر میباشد. مثلاً در پرونده *williscroft(1975)* دادگاه عالی چنین استدلال کرده است: هر مجازات اعمال شده بیانگر ترکیب همه جنبه‌های فرایند کیفر در نظر قاضی است. علاوه بر آن بنظر ما بیفایده است که مجازاتهای متنوع برای هر قسم ارزیابی از جرم توسط قاضی اعمال شود. همین نظر در پرونده *Young(1990)* توسط دادگاه استیناف تایید شد. همچنین در پرونده ی *Attorney General v. David(1991)* قاضی پرونده از روانپزشک تقاضای پیش بینی خطر متهم را نمود. با وجود دشواری پیشگویی رفتار انسان در آینده، قاضی نهایتاً نظر داد که بنظر نمی‌رسد که روانپزشک یا وکیل بیشتر از خود فرد بتواند رفتار او را پیش بینی کنند. بنابراین قاضی از ورود به مقوله پیچیده ی پیشگویی کلینکی رفتار خودداری کرد و ترجیح داد که قضاوتش را منحصر به تخمین زدن میزان وجود خطر نسبت به امنیت عمومی و احتمالاً ایراد صدمه با بکارگیری خشونت نسبت به افراد نماید؛ لذا وی از ملاک حس مشترک^۲ برای تشخیص خطرناکی مجرم بهره برد.^۳

بسترهایی که مفهوم مجرم خطرناک را در حقوق کیفری گسترده و مبهم می‌سازند

به طور کلی در ۴ زمینه از مفهوم مجرمین خطرناک استفاده می‌شود و در هر حوزه تلقی از مجرم خطرناک متفاوت است و همین امر منجر به پیچیدگی در مفهوم مجرم خطرناک می‌شود: الف) در قانونگذاری؛ به طور مثال می‌توان به تعریف ارایه شده توسط قانون عدالت کیفری انگلستان ۲۰۰۳ در مواد ۲۲۴ بند ۱ و ۲ اشاره کرد. از آنجا که قانون تفسیر می‌شود لذا تصمیم دستگاه قضایی راجع به اینکه چگونه تعاریف کلیدی قانون ۲۰۰۳ در عمل اجرا شوند با اهمیت خواهد بود. تعیین آستانه صدمه شدید و ملاکی که با آن بتوان خطرناکی را در عمل احراز کرد مشکل است. از طرف دیگر اصطلاحات این قانون درباره مجرم خطرناک از قبیل خطر مهم^۴، صدمه شدید^۵ و مفهوم خطرناک بودن^۶ قابل تفسیر هستند. ب) در سیاست جنایی و سیاست کیفری؛ برای مثال اولویت‌ها و اهداف کیفری در سیاست کیفری، راهنماهای ملی و دیگر اسناد رسمی بکارگرفته شده برای شکل دادن دوباره نقش‌ها، مسولیت‌ها و امور پرسنل عدالت کیفری، بیان می‌شوند. به عنوان نمونه می‌توان به راهنمای خدمت تعلیق مراقبت ملی به عنوان ضابطه ای برای تحمیل مجازات‌های محافظتی عمومی نامعین اشاره کرد. اگرچه این راهنما ارتباط نزدیکی با قانون دارد اما ابهام بین تعریف صدمه شدید ارایه شده براساس قانون موضوعه با آنچه که بوسیله ی خدمت تعلیق مراقبتی از طریق بیان عبارت: «خطر صدمه شدید می‌تواند به عنوان خطری که تهدیدی علیه زندگی است یا آسیب روحی یا جسمی ایجاد می‌کند تعریف شود» منجر به توسعه مفهوم مجرم خطرناک میشود. ج) در عمل و رویه؛ منظور خط مشی‌ها و رویه‌های محلی و تعریفی که آنها از خطر ارایه می‌کنند می‌باشد. همچنین تعریف مجرمین خطرناک نزد پلیس، به عنوان انعکاس اولویت‌های پلیس محلی، و فهم جامعه از مدیریت مجرمین خطرناک و تعریف مسولین زندان از مجرمین خطرناک بر پیچیدگی آن می‌افزاید. د) در نظر عموم و رسانه‌ها؛ به طور مثال با تشکیل کمپین‌های

¹ **Dangerous Offenders; Punishment and Social order**, p.98- 110

² Common- Sense

³ **Dangerous Offenders; Punishment and Social order**, Mark Brown and John Pratt.p.99-100

⁴ Significant Risk

⁵Serious Harm

⁶ Dangerousness

عمومی و اقدام عمومی مانند اعتراض عمومی بیان می‌شوند. این کمپین‌ها می‌تواند واکنش‌های سیاسی مهمی را ایجاد کند. مثلا *Kitzinger* سطوح بالای اضطراب، ترس عمومی و بر چسب زنی که با مجرمین جنسی توأم است را بررسی کرده است. این وضع در قانونگذاری، سیاست کیفری و در عمل تاثیرگذار است و بر مفهوم سازی مجرمین جنسی و پاسخ به آنها تاثیر مهمی دارد. اصطلاح خطر بالا^۱ و وضعیت خطرناک^۲ در بعضی متون به صورت یکسان بکار برده می‌شوند، به ویژه در سیاستگذاری و در عمل، چنین امری قابل رویت است.^۳ در رسانه‌ها پوشش خبری مجرمین خطرناک نفوذی قاطع دارد. در متون حقوقی، اصطلاحات خطر بالا و وضعیت خطرناک تمایل دارد با قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ انگلستان (که تلاش دارد خطر مهم^۴ و صدمه شدید را تعریف نموده و همچنین ارزیابی خطر و مجرمین خطرناک را مخاطب قرار دهد) ترکیب شود. این چهار عامل برهمدیگر واکنش متقابل و تاثیرگذاری دارند؛ برای مثال پوشش رسانه‌ای و تشویش اذهان عمومی بر سیاستگذاران نسبت به اقدامات کیفری آنها و همچنین برندهای تقنینی که اجرای عدالت کیفری را بر مجریان دیکته می‌کنند، تاثیر می‌گذارند.^۵ به طور کلی توانایی مقابله با مجرمین خطرناک به چند عامل بستگی دارد؛ طراحی و اجرای ابزار ارزیابی خطر، توانا و قابل اعتماد که سازگار با شناخت مجرم خطرناک باشد، تفسیر متفاوت از خطرناک بودن و پاسخ‌ها به آن توسط مجازات‌کنندگان و دست‌اندرکاران اجرای کیفر و تعیین ضوابطی دقیق که بر اساس آن قضاوت صورت گیرد.^۶

الف) ابزار ارزیابی خطر: تاریخچه‌ی توسعه ابزار ارزیابی خطر، به عنوان تلاشی جهت پیش‌بینی حوادث معرفی شده است. مشکلات پیش‌بینی حوادث شناخته شده هستند؛ بطور مثال انتقال اطلاعات جمع‌آوری شده می‌تواند مشکل باشد؛ مجازات‌کنندگان در مقابل اطلاعات آماری جمع‌آوری شده مقاومت کرده‌اند و اعضای هیات عفو و بخشودگی نیز تا اندازه‌ای ترجیح داده‌اند که خطر را از طریق معاینه کلینکی فردی تعیین کنند. از طرف دیگر درستی ابزار ارزیابی خطر نیز مشکلاتی را ثابت کرده بطوریکه هم در اعتبار دوره نگهداری طولانی مدت و هم در ادعای خطر درجه محکومیت مجدد و خطر درجه صدمه، ابهاماتی ایجاد کرده است. توسعه‌ی نسل سوم ابزار ارزیابی، فاکتورهای آماری و دینامیک خطر را باهم ترکیب کرده است. همچنین توسعه فزاینده ابزار مخصوص جرایم خشن و جنسی، دقت ابزارها را بالا برده است.

ب) مشکل پیشگویی خطر: پیش‌بینی مشکل همیشگی در ارزیابی خطر بوده است. فاکتورهایی که برای تعیین علت بکار برده می‌شوند اگرچه باهم مرتبط هستند اما لزوماً همه در علت خطرناکی مجرم دخیل نیستند. از این رو فاکتورهای پیش‌بینی خطر اثرات متفاوتی دارند و ممکن است نسبت به مجرمی موثر باشند در حالیکه نسبت به مجرم دیگر تاثیری نداشته باشد و حتی بعضی وقتها پدیده خطر، ناشی از علتی است که چند فاکتور در آن دخیل هستند. پیش‌بینی خطر از استدلال‌های غلط آماری نیز آسیب‌پذیر است؛ زیرا استدلال‌های غلط آماری مشکلاتی را در انتقال اطلاعات جمع‌آوری شده از گروه‌ها (مانند زندانیان مرد سفید پوست) برای پیشگویی خطر برای یک فرد خاص بیان می‌دارند. در چنین مواردی پیشگویی خطر (معمولا خطر محکومیت مجدد) در عبارات آماری به صورت احتمال تصریح می‌شود. برای مثال گفته می‌شود ۶۰ درصد احتمال محکومیت مجدد وجود دارد. به هر حال این ۶۰ درصد احتمال آماری برای محکومیت مجدد بعد از گذراندن مجازات به این معناست که آن مجرم خاص ۶ دهم احتمال محکومیت مجدد دارد نه اینکه لزوماً آن اتفاق خواهد افتاد. به هر حال این مسئله

¹ High Risk

² Dangerousness

³ Kemshall, H., Parton, N., Walsh, M. and Waterson, J. (1997) 'Concepts of Risk in Relation to Organisational Structure and Functioning within the Personal Social Services and Probation', *Social Policy and Administration* 31(3): 213-31.

⁴ Significant Risk

⁵ Kemshall, H., Parton, N., Walsh, M. and Waterson, J. (1997) 'Concepts of Risk in Relation to Organisational.... 213-31

⁶ *Determinate Sentencing, The Promise and The Reality of Retributive Justice*, Pamela L. Griset, Pub. By: State University of New York Press, 1991

باید به صورت موردی در مورد هر مجرم بررسی شود تا معلوم شود که در گروه ۶۰ درصد احتمال محکومیت مجدد قرار می‌گیرد یا در گروه ۴۰ درصد عدم احتمال ارتکاب مجدد جرم. این احتمال‌ها کمک شایانی به دست‌اندرکاران اجرای مجازات که وظیفه تصمیم‌گیری درباره موضوعات مربوط به آزادی، کیفیت زندگی یا خطر صدمه دارند، نمی‌کند. به هر حال این شیوه و تکنیک‌های آماری که فاکتورهایی را بدست می‌دهند، به دلیل ناتوانی‌شان در ایجاد تمایز مشخص بین فاکتورها و اثرات و ناتوانی‌هایشان در توجیه کردن و بررسی مناسب تاثیرات چند بعدی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر نرخ پایین بعضی از جرایم در یک جامعه آماری، باعث شده تا پیشگویی خطر از طریق ابزار پیشگویی کننده کاهش یابد. بطور مثال قتل نفس به علت نرخ کم ارتکاب به نسبت سایر جرایم دارای چنین مشکلی است. بنابراین اگر امری به ندرت اتفاق پیشگویی کردن آن هم به همان نسبت مشکل خواهد بود؛ اگرچه تبعات آن حادثه بسیار سنگین باشد. این مشکل در جرایم بسیار شدید^۱ مانند قتل عمد وجود دارد. در سالهای اخیر میزان استفاده از روش‌های آماری برای پیشگویی کردن خطر و شناسایی مجرمین خطرناک افزایش پیدا کرده است و برای مجرمین خشن و جنسی و پیشگویی رفتار آنها بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از طرف دیگر امکان مقایسه کردن ابزار مختلف ارزیابی خطر از این طریق فراهم شده است. (ج) **تفسیر متفاوت از خطر:** قضاوت درباره مفهوم خطر از جانب‌داری و تبعیض، رفتارهای کلیشه‌ای و قالبی و تفسیر، توسط افراد حرفه‌ای دارای صلاحیت تصمیم‌گیری و حتی در نظر عموم، متاثر شده است. این تاثیرات بر پیشگویی خطر در اسناد هم قابل مشاهده است. این تفاوت در ارزیابی می‌تواند در نظام عدالت کیفری هنگام تعریف و ارزیابی گروه‌های دارای خطر نیز موثر واقع شود. از طرفی برای مثال خودکشی به عنوان عملی که ناشی از خشونت خانوادگی است، به طور سنتی ریسک و خطر ناشی از آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است و مجازات ملایم تری برای آن در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از بزه‌دیدگان این جرایم قبل از مرگ تحت سوء استفاده و صدمه عمدی بوده‌اند (معمولاً زنان). اگرچه تفاوت میان خشونت خانوادگی و خشونت‌های شدید در جامعه وجود دارد، اما مبناهایی که این تمایز را ایجاد می‌کند مورد خدشه قرار گرفته‌اند. نکته دیگری که کیتزینگر می‌گوید عبارتست از اینکه پوشش رسانه‌ای تمایزی بین جرایم جنسی درون خانوادگی و خطر شدیدتر ایجاد کرده است که بر سیاست کیفری و قانونگذاری نیز تاثیر گذاشته است و در نتیجه تمرکز کمتری نسبت به ارتکاب این جرایم در محیط‌های خانوادگی صورت می‌گیرد. از همین رو پاسخ‌های موجود به مجرمین خطرناک با عواملی بیرونی تعریف می‌شوند.^۲

اعمال اقدامات تامینی به منظور کنترل حالت خطرناک مجرمین

اولین بار در مکتب تحقیقی عنوان مجرم خطرناک به صورت علمی مطرح شد. از ابتدای قرن نوزدهم میلادی با پیشرفت علم روانپزشکی، نگهداری مبتلایان به بیماری روحی به مدت نامعین در بیمارستانها مطرح و متداول گردیده و بررسی حالت خطرناک به هدف عمده جرم‌شناسی بالینی تبدیل شد.^۳ در سطح بین‌المللی اصطلاح حالت خطرناک برای نخستین بار در سال ۱۹۱۰ در مجمع بین‌المللی حقوق جزا مورد بحث قرار گرفت. راه حلی که این مجمع ارائه کرد عبارت بود از اینکه قانون می‌بایست خواه به جهت تکرار قانونی جرم، خواه به لحاظ جرم به عادت و یا سابقه ارثی مجرم که به وسیله ارتکاب جنحه و جنایت به منصفه ظهور و بروز می‌رسد، به منظور تامین امنیت اجتماع، تامینات مخصوص را درباره مجرمین خطرناک تاسیس و برقرار کند.^۴ در این راستا رویکرد جدید اقدامات تامینی وارد در سیاست‌های جنایی و قانونگذاری‌ها شد. در سال ۱۹۶۵ در انگلستان و ولز کمیته ای بنام کمیته بتلر^۵ گزارشی مبنی بر ارزیابی وضعیت مجرمینی که از بیماری روانی برخوردار هستند

^۱ Grave of Crimes

^۲ Ewald, F. (1991) 'Insurance and Risk', G. Burchell, C. Gordon and P. Miller (eds), *The Foucault Effect*, London: Harvester Wheatsheaf.

^۳ دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؛ انتشارات کیهان؛ چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۹، ص. ۳۳۳

^۴ امینی، محمد؛ ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تامینی؛ چاپ تابان، سال ۱۳۴۶، ص. ۱۲۳

^۵ Bulter Committee

ارایه نمود و از آن زمان ایده های مختلفی برای مقابله با مجرمان خطرناک مطرح شده است.^۱ در ادامه این تحولات در سال ۲۰۰۳ قانون عدالت کیفری انگلستان و ولز در مواد ۲۲۴ تا ۲۲۹، بطور خاص به موضوع مجرمان خطرناک پرداخته است. ویژگی های بنیادی اقدامات تامینی که آنرا از مجازات متمایز می کند عبارتند از: نامعین بودن مدت، تجدیدنظر پذیری و فقدان صبغه اخلاقی. صدور حکم اقدام تامینی وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم شده باشد و چنین محکومیتی به دلیل وجود حالت خطرناک برهکار است نه تقصیر جزایی مرتکب. بنابراین مقصود از این اقدام کاهش و یا رفع حالت خطرناکی است که نظم اجتماعی را تهدید می کند. اقدام تامینی برخلاف مجازات هیچ تناسبی با قصد خطاکارانه مرتکب ندارد.^۲

حالت خطرناک در حقوق کیفری ایران:

در نظام کیفری کشورمان، اقدامات تامینی اولین بار با تصویب قانون اقدامات تامینی در سال ۱۳۳۹ مطرح گردید. در قانون اصلاح موادی از قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲ و قانون مجازات اسلامی آزمایشی سال ۱۳۶۱ و قانون مجازات سال ۱۳۷۰ (مواد یک و یازده) نیز به اقدامات تامینی اشاره شده است. در ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ مقرر شده است: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و **حالت خطرناک** مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگه - داری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است ...» همچنین در ماده یک قانون اقدامات تامینی آمده است: «اقدامات تامینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره **مجرمین خطرناک** اتخاذ می کند. **مجرمین خطرناک** کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد اعم از این که قانوناً مسئول باشند یا غیر مسئول. صدور حکم اقدام تامینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.» اصطلاح حالت خطرناک اگرچه در قانون جزایی ما وجود دارد ولی تعریف نشده است. حالت خطرناک نه فعل است و نه ترک فعل؛ بلکه حالت می باشد. حالت خطرناک حالتی است که احتمال وقوع جرمی را تشدید کرده و فرد را در مظان ارتکاب جرم قرار می دهد. حالت خطرناک به خودی خود مورد توجه نیست بلکه اعمالی که از شخص بواسطه این حالت صورت می گیرد مدنظر بوده و برای جلوگیری از تکرار جرم باید حالت خطرناک مجرم را شناخت و آن را درمان کرد. از این رو هنگامیکه حالت خطرناک در بزهکاران یافت شد، به جهت درمان و مداوا باید اقدامات تامینی و تربیتی درباره آنها اعمال شود و حسب مورد به دور از اجتماع و در مراکز خاص نگهداری شوند. حالت خطرناک قبل از ارتکاب اولین جرم مدنظر قانونگذار نیست بلکه بنابر تصریح ماده یک قانون اقدامات تامینی باید این حالت بعد از وقوع اولین جرم در مجرم احراز گردد. حالت خطرناک اختصاص به جرایم عمدی داشته و در جرایم خطایی مطرح نمی شود. براساس ماده یک قانون اقدامات تامینی، برای احراز حالت خطرناک در مجرمان توجه به ۵ عامل ضروری است: سوابق مجرم، خصوصیات روحی مجرم، خصوصیات اخلاقی مجرم، کیفیت ارتکاب جرم و جرم ارتکابی.^۳ منظور از سوابق مجرم در این ماده مشخص نشده است، بنابراین قاضی می تواند سوابق محکومیت جزایی، سوابق خانوادگی، اجتماعی، پزشکی و غیره را بررسی نماید. خصوصیات اخلاقی مجرم نیز معیاری مبهم است و معلوم نیست کدام ویژگی ها مبین حالت خطرناک است. شاید مقنن با ذکر این عبارات به تشکیل پرونده شخصیت مجرم نظر داشته است والا بررسی این معیارها توسط قاضی محکمه دشوار و پرهزینه خواهد بود و

^۱ Report of the Committee on Mentally Abnormal Offenders (1975; Cmnd. 6244) (Butler Report).

Author(s): David Ewins Source: British Journal of Law and Society, Vol. 3, No. 1 (Summer, 1976), pp. 101-109 Published by: Blackwell Publishing on behalf of Cardiff University.

آردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، ص ۱۳۷

^۳ قاسمی، ناصر؛ اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه دفاع شده در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱، صص ۱۳۴/۱۸۸

ممکن است به آنها توجه نشود. منظور از معیار کیفیت ارتکاب جرم مواردی است مانند شدت آسیب وارده به قربانی و نظم عمومی، انگیزه مرتکب، شیوه ارتکاب جرم، وسایل و آلات مجرمانه استفاده شده و غیره. جرم ارتكابی نیز می تواند از زمره جرایم علیه تمامیت جسمانی باشد یا جرایم علیه اموال یا امنیت و آسایش عمومی. بنابراین قانونگذار کیفری ایران حالت خطرناک مجرم را «در مظان ارتکاب جرم در آینده» تعریف کرده و تلاش نموده است با ارایه معیارهایی شناخت مجرم خطرناک را تسهیل نماید.

حالت خطرناک در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی

مجرم خطرناک در قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ انگلستان

اصطلاح مجرم خطرناک در قانون ۲۰۰۳ عدالت کیفری انگلستان و ولز، با عبارت "صدمه شدید" که به معنای مرگ یا صدمه فیزیکی شدید خواه فیزیکی یا روانی می باشد، ذکر شده است (م ۲۲۴ بند ۳). همچنین در ماده ۲۲۵ بند ب همان قانون آمده است جایی که دادگاه بر این برپاورد است که فردی با ارتکاب جرایم خاص مکرر، خطر مهمی را متوجه اعضای جامعه می کند نیز مجرم خطرناک است (تکرار جرم). قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ تلاش کرده است تا جرایم مرتبط را معین نماید و لذا جدولی از ۸۸ جرم جنسی و ۶۵ جرم خشن (جدول شماره ۱۵) تهیه کرده که حداکثر مجازات آنها بین ۲ تا ۱۰ سال می باشد و از صدمه جسمی واقعی تا قتل نفس و تجاوز به عنف، مرتب شده است. این جرایم می توانند مدت زمان معین مجازات حبس را با امکان اینکه مجرم بعد از گذراندن نصف دوره مجازات توسط هیات عفو آزاد شود، توسعه دهند. همچنین مجرمین خشن ممکن است بعد از آزادی از حبس تا ۵ سال و مجرمین جنسی تا ۸ سال تحت نظر قرار گیرند. این قانون همچنین جرم خطرناک را به عنوان جرم خشن یا جنسی خاص که منجر به حداکثر مجازات ۱۰ سال حبس یا بیشتر (شامل حبس ابد) میشود، تعریف کرده است (م ۲۲۴ بند ۲). قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ تلاش دارد تا پارامترهای روشن برای مجرمین خیلی خطرناک، از طریق معین کردن و قراردادن یک "آستانه بالا" برای صدمه شدید، تعریف مجرمین جنسی خاص یا خشن که در تعریف قانون قرار می گیرند همچنین تعریف جرایم خشن و ایجاد ملاکی برای قضاوت کردن درباره خطرناکی و خطر ارتکاب مجدد جرم توأم با صدمه، ایجاد کند. عمل متقابل این پارامترها به صورت بالقوه پیچیده است. این پیچیدگی شامل ویژگی های فردی مجرم، ویژگی های خاص جرم و قضاوت درباره احتمال تکرار جرم می باشد. ادله و قضاوت ناشی از تعدادی از منابع، از جمله قرار مراقبتی و گزارشات روانپزشکی و تصمیمات مجازات دهنده، به هیچ وجه کاملاً قاطع نمی باشد. تعریف و تعیین مجرمین پر خطر، کار آسانی نیست. جنبه ها و تعاریف پرخطر بودن در زمینه ای قرار می گیرد که انعکاس دهنده فرهنگ، ایدئولوژی و ارزش های عینی درون آن زمینه می باشد. مفهوم خطر با ارزشها و معانی ارتباط نزدیک دارد و از این منظر ممکن است تعریف ریسک میان گروههای حرفه ای یا میان خواص و عوام متفاوت باشد. ریسک، منبع بسیاری از تعارضات سیاسی و چالش هاست و لذا مسئله ای حل نشده است. بنابراین ملاحظه میشود که قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ انگلستان ملاکی برای قضاوت کردن درباره خطرناکی و خطر ارتکاب مجدد جرم توأم با صدمه، از طریق معین کردن و قراردادن یک "آستانه بالا" برای صدمه شدید و تعریف قانونی مجرمین جنسی خاص یا خشن در قالب جدولی از جرایم که مجازاتی تقریباً سنگین دارند و همچنین در نظر گرفتن حداکثر مجازات جرایم، ایجاد کرده است که در واقع ترکیب دو مدل خطر ارایه شده از طرف مارک برون می باشد.

دادگاه برای اینکه تعیین کند مجرمی خطرناک است یا نه نیاز دارد تا جنبه هایی را در تصمیم گیری هایش مورد ملاحظه قرار دهد؛ لذا بین افرادی که سابقه محکومیت ندارند یا زیر ۱۸ سال هستند با افرادی که سابقه محکومیت دارند یا بالای ۱۸ سال سن دارند، تمایز قایل میشود. در مورد دسته اول از این مجرمین دادگاه به موارد زیر توجه خواهد کرد.

¹ High Threshold

- باید تمامی اطلاعات موجود پیرامون ماهیت و شرایط جرایم ارتكابی را در نظر بگیرد.
 - باید الگوی رفتاری را که جرم ارتكابی بخشی از آن محسوب می شود را در نظر بگیرد.
 - باید هر نوع اطلاعاتی را پیرامون مجرم، قبل از ارتكاب جرم در نظر بگیرد. (ماده ۲۲۹ بند ۲)
- در واقع دادگاه نیاز دارد متقاعد شود که با توجه به اطلاعات ارائه شده خطر وجود دارد؛ لذا دادگاه به اطلاعات ارائه شده پیرامون ماهیت جرم ارتكابی، گزارشات قرار مراقبتی قبل از مجازات و گزارشات روانپزشکی تکیه خواهد کرد. بنابراین در این دسته از مجرمین، ملاک خطر ملایم پذیرفته شده است.
- برای دسته دوم مجرمین (کسانی که سابقه محکومیت دارند یا بالای ۱۸ سال سن دارند)، دادگاه باید بپذیرد که مجرم "خطر مهمی" را نشان داده، با در نظر گرفتن موارد زیر:
- تمام اطلاعات پیرامون ماهیت و شرایط هر جرم در دسترس اوست.
 - جایی که اطلاعاتی که در مقابل او وجود دارد، مربوط به الگوی رفتاری باشد که این جرایم بخشی از آن می باشند.
 - اطلاعاتی درباره مجرم به دادگاه ارائه گردد به نحوی که دادگاه متقاعد شود منطقی نیست که وجود چنین خطری را نتیجه بگیرد (ماده ۲۲۹ بند ۳). بنظر میرسد در خصوص این دسته از مجرمین ملاک خطر حتمی پذیرفته شده است.
- در دسته اخیر از مجرمین خطرناک فرض بر این است که خطر مهمی وجود دارد مگر اینکه اطلاعات ارائه شده خلاف آن را ثابت کند. در مورد مجرمین دسته اول تلاش بر این است که خطرناک بودن آنها اثبات شود، ولی در مجرمین دسته دوم باید تلاش کرد تا خلاف فرض خطرناک بودن را اثبات کرد و خلاف صریح اصل برائت با متهم رفتار میشود. از طرف دیگر از آنجایی که خطرناک بودن امری مربوط به اندیشه و ذهن است؛ لذا اثبات عدم خطرناکی سخت تر از اثبات خطرناک بودن است. (مجرمین دسته اول فرض بر عدم خطر آنهاست، ولی مجرمین دسته دوم فرض بر خطرناک بودن آنهاست؛ مگر اینکه خلافش ثابت شود). در این خصوص مشکلات دیگری نیز احتمالاً وجود خواهد داشت؛ برای مثال آیا اطلاعات ارائه شده دقیق هستند؟ آیا وقایع مربوط به پرونده به صورت دقیق بررسی شده اند؟ از طرف دیگر وقایع ممکن است قابل تفسیر باشند؛ آیا یک واقعیت دلیل بر الگوی رفتاری خطرناک بودن است؟ عناصر تشکیل دهنده آن الگوی رفتاری چیست؟ کدام الگوها دلالت بر خطر در آینده دارند؟ در خصوص این سوالات، اخیراً دادگاه استیناف در استفاده از مجازات های غیر معین مندرج در قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ به مطالبی اشاره کرده است. به طور خلاصه حکم اخیر دادگاه استیناف نشان داده است که اگر چه ممکن است مجرمی سابقه محکومیت داشته باشد، اما این امر لزوماً به این معنا نیست که این مجرم بر اساس الگوی رفتاری پیش بینی کننده در آینده مرتکب جرایم متضمن صدمه شدید می شود. مثلاً جرم *Robbery* در حالیکه بر اساس قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ به عنوان جرم شدید در نظر گرفته شده است، لزوماً به معنای وجود خطر مهم ایجاد صدمه شدید نیست. سوابق محکومیت ممکن است نشان دهد که یک مجرم؛ مجرم به عادت یا مجرم مکرر است؛ اما لزوماً به این معنی نیست که این جرم همان گونه که قانون مقرر داشته، آسیب زننده است یا خواهد بود. به عقیده *Stone*، دادگاه استیناف تفسیر مضیق از معیار آستانه^۱ را برای صدمه شدید پذیرفته است. همین نظر را *Scott* حدود ۲۰ سال پیش با ادبیاتی مشابه ذکر کرده است: به نظر وی دسته بندی های حقوقی مانند قتل، آتش سوزی های عمدی و تجاوز به عنف، برای تشخیص خطرناک بودن مناسب

^۱ Threshold

نیستند. به نظر کمشال^۱ قضاوت در خصوص خطرناک بودن مجرم باید ماحصل ترکیب معیارهای واکنش متقابل مجرم، شرایط پیرامون جرم و قربانی جرم بر همدیگر و آگاهی کامل از رفتار، نگرش ها و انگیزه های مورد نیاز باشد. همچنین «ناش»^۲ متذکر می شود که استخر مجرمین خطرناک بالقوه این قدر بزرگ است که هر کسی را که توانایی انجام عمل آسیب زنده را دارد، در بر می گیرد.^۳

نتیجه گیری

تعریف مجرم خطرناک و ارایه معیار عینی برای تشخیص مجرم خطرناک از چالش های جدی در حقوق کیفری است؛ زیرا از آنجا که رفتار انسان بر اساس پذیرش اصل اراده آزاد قابل پیش بینی نیست و شرایط پیرامون بزه نیز از قبیل وضعیت بزهکار یا بزه دیده یا محیط پیرامون جرم در همه موارد یکسان نیست و از طرف دیگر مدلهای و ابزار پیشگویی خطر و تعیین میزان خطرناکی مجرم ناکافی و توأم با ایرادات و موانع جدی میباشند و همچنین از آنجا که برداشت های متفاوت از مفهوم مجرم خطرناک در سیاست جنایی و سیاست کیفری، قانونگذاری، اجراکنندگان مجازات و تلقی عموم جامعه و حتی رسانه ها وجود داشته و تاثیر متقابلی که این عوامل بر یکدیگر دارند، نهایتاً منجر به پیچیدگی و دشواری پیشگویی رفتار پرخطر شده است. همچنین به صرف داده های آماری، کلینیکی یا واکنش افکار عمومی نسبت به پیشگویی رفتار خطرناک صحیح نیست فردی را تابع نظام سخت گیرانه ای به منظور پیشگیری از خطر قرار داده و حقوق انسانی وی را نادیده بگیریم. با این وجود قانون اقدامات تامینی ایران مصوب ۱۳۳۹ و قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ انگلستان تلاش کرده اند با استفاده از دو ضابطه علمی خطر ملایم و خطر حتمی، معیارهای عینی برای شناسایی مجرم خطرناک ارایه نمایند. حاصل این تلاشها، در حقوق ایران در قالب ماده یک اقدامات تامینی و ۵ ضابطه مقرر شده تبلور یافته و در حقوق انگلستان منجر به ارایه جدولی از جرایم خطرناک جسمی و جنسی، ارایه معیار آستانه و تعریف مجرم خطرناک با توسل به مفاهیمی مانند مرتکبین به عادت، مرتکبین جرایم جنسی و خشن و محکومین به جرایم با مجازات سنگین شده است. مطالعه حاضر اهمیت قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹ را بیشتر آشکار کرده و همزمان ضرورت توجه به معیارهای جدید نحوه مقابله با مجرمین خطرناک را در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می دهد.

منابع

1. Crime and Justice (1750-1950), Barry Gadsfrey and Paul Lawrence, 2005C
2. Criminal Justice Act 2003
3. Dangerous Offenders; Punishment and Social Order, Mark Brown and John Pratt, Pub. By Rutledge, 2000.
4. Determinate Sentencing, the Promise and the Reality of Retributive Justice, Pamala L. Griset, Pub. By: State University of New York Press, 1991
5. Ewald, F. 'Insurance and Risk', G. Burchell, C. Gordon and P. Miller (eds), The Foucault Effect, London: Harvester Wheatshea (1991)
6. Kemshall, H., Parton, N., Walsh, M. and Waterson, J. 'Concepts of Risk in Relation to Organisational Structure and Functioning within the Personal Social Services and Probation', Social Policy and Administration 31(3): 213-31.

^۱ Risk Assessment and Management of Known Sexual and Violent Offenders: A review of current issues, H. Kemshall, Policing and Reducing Crime Unit Research, Development and Statistics Directorate Clive House, Petty France London, SW1H 9HD, 2001, ISBN 1-84082-601-0

^۲ Nash

^۳ Dangerous Offenders; Punishment and Social order, Mark Brown and John Pratt, p.98-130

7. Report of the Committee on Mentally Abnormal Offenders (1975; Cmnd. 6244) (Butler Report). Author(s): David Ewins Source: British Journal of Law and Society, Vol. 3, No. 1 (Summer, 1976), pp. 101-109 Published by: Blackwell Publishing on behalf of Cardiff University.
8. Risk Assessment and Management of Known Sexual and Violent Offenders: A review of current issues, H. Kemshall, Policing and Reducing Crime Unit Research, Development and Statistics Directorate Clive House, Petty France London, SW1H 9HD, 2001, ISBN 1-84082-601-0

Dangerous Criminals: A Comparative Study of Iranian and English Criminal Laws

Mohammad Saeid Shafiei¹, Dr. Mojtaba Farahmand²

1. *M.A in Criminal Law and Criminology, a Lecturer in University*
2. *A Judge in a Court, and University Professor*

Abstract

"Dangerous man," is the origin of scientific attention to criminals and their role in the committed crimes. It was in the light of the development of this idea that there arose the concept of dangerous criminals and some strategies to deal with them, and that concept received a special place in the studies of criminal law and subsequently the concept of dangerous criminals entered the criminal policy and legislation. Although all offenders somehow threaten the society and its members by committing a criminal behavior, by dangerous criminals is usually meant offenders who commit repeated crimes and have the greatest threat toward the society with their behavior. That's why certain punishments and corrective actions should be applied against this group of criminals. Due to the importance of this, it is necessary to use accurate and legal criteria to identify the dangerous state in criminals in order to identify dangerous criminals, i.e. those criminals who are more likely to re-commit crimes in the future, so that the public security can be ensured and human rights may not be violated. The Iranian Security Measures Act of 1961 and the UK Criminal Justice Act of 2003 have attempted to offer provisions in this regard.

Keywords: Mild Danger, Imminent Danger, Dangerous State, Dangerous Criminals, Preventive Actions
